نگاه

ناپدیدسازی اجباری از نگاه حقوق بین‌الملل

دکتر مصطفی فضائلی

● یکی از حقوق بنیادین افراد بشر مصونیت از هرگونه تعرض به تمامیت جسمی و روحی است. این حق ممکن است به اشکال مختلفی نقض شود. «مردانی ناشناس از راه می‌رسند، اغلب مسلح، با لباس غیررسمی یا با یونیفرم نظامی، با قهر و غلبه وارد حریم خصوصی فرد، افراد یا خانواده‌ای می‌شوند، بدون ذکر دلیل یا ارائه حکم قضائی، شخص یا اشخاصی را دستگیر می‌کنند و به طرف اتومبیلی می‌کشند و به‌زور سوار بر اتومبیل می‌کنند و از محل دور می‌شوند». این نخستین مرحله از عملیاتی است که به‌طور عام آدم‌ربایی نامیده می‌شود؛ اما چنانچه انتساب آن به دولت ممکن باشد، از آن به ناپدیدسازی اجباری تعبیر می‌شود، ازاین‌رو ناپدیدسازی اجباری این‌گونه تعریف شده است: «اشخاصی ناخواسته دستگیر، بازداشت یا ربوده یا به نحو دیگری از آزادی‌شان محروم می‌شوند و این کار از سوی مأموران دولتی در سطوح یا شعب مختلف حکومتی یا گروه‌های سازمان‌یافته یا اشخاص خصوصی که از طرف یا با حمایت یا رضایت یا موافقت مستقیم یا غیرمستقیم دولت عمل می‌کنند انجام می‌شود، درحالی‌که از ارائه اطلاعات درباره سرنوشت یا محل اشخاص ربوده‌شده خودداری و از اذعان به سلب آزادی آنها اجتناب می‌شود و در نتیجه، سبب خروج آنها از محدوده حمایت قانون می‌شود». این وضعیتی است که متأسفانه برای شخصیت برجسته جهان تشیع، بلکه جهان اسلام، امام موسی صدر رخ داده است و سال‌ها از این واقعه می‌گذرد، بی‌آنکه خبر موثقی از وضعیت و سرنوشت ایشان در دست باشد یا اقدام جدی ملی یا بین‌المللی در این زمینه انجام شده باشد! شاید تا سال ۱۹۷۸ رویکردی موردی به این پدیده رایج بوده، اما ناپدیدسازی اجباری امروزه به پدیده‌ای جهانی تبدیل شده است. در حقوق بین‌الملل در دو سطح عام و خاص می‌توان به بررسی این موضوع پرداخت: در عرف و اسناد عام حقوق بشری از یک سو و در برخی اسناد شکل‌گرفته درباره مقابله با ناپدیدسازی اجباری از سوی دیگر.از منظر حقوق بشر، این پدیده هم‌زمان آثاری دوگانه و در مواردی سه‌گانه دارد و متضمن نقض مجموعه‌ای از حق‌های بنیادین بشری است:

الف) حقوق نقض‌شده قربانیان مستقیم: حق برخورداری از حمایت قانون، حق آزادی و امنیت، حق مصونیت از شکنجه و دیگر رفتارها یا مجازات بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی، حق حیات (نقض یا تهدید می‌شود)؛ حق برخورداری از دادرسی عادلانه و تضمین‌های قضائی، حق برخورداری از جبران مؤثر خسارت و غرامت، حق برخورداری از سلامت، حق برخورداری از استانداردهای مناسب زندگی، حق برخورداری از آموزش. خلاصه با این جنایت طیف گسترده‌ای از حقوق مدنی، سیاسی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگیِ قربانیان ناپدیدسازی اجباری نقض می‌شود و این نَقض‌ها به‌طور مستمر مادام که سرنوشت قربانی مشخص نشده و ناپدیدشدگی پایان نیابد، ادامه خواهد داشت!

ب) حقوق نقض‌شده اعضای خانواده، خویشان و نزدیکان قربانی. در ناپدیدشدگی اجباری سلسله‌ای از حقوق انسانی این افراد هم نقض می‌شود، زیرا بی‌خبری از سرنوشت عزیزان، آن‌هم مدتی طولانی که گاه سال‌ها به طول می‌انجامد، سبب اضطراب، نگرانی، حالت انتظار و... می‌شود که خود نوعی شکنجه روحی و روانی به‌همراه دارد.

ج) حقوق نقض‌شده جامعه. دو فرض وجود دارد که ناپدیدسازی اجباری خساراتی را بر جامعه نیز وارد می‌کند: یکی اینکه فرد یا افراد قربانی از شخصیت‌های محبوب و تأثیرگذاری باشند که جامعه در سطح وسیعی از خدمات آنها بهره‌مند می‌شده است. ناپدیدشدگی در این حالت سبب محرومیت جامعه از خدمات آنها و جریحه‌دارشدن احساسات و عواطف عمومی می‌شود. فرض دیگر جایی است که ناپدیدسازی اجباری به تهدید علیه امنیت عمومی در سطح کشور، منطقه یا حتی جهان تبدیل شود.

براساس واقعیات اشاره‌شده، تردیدی نیست که عملیات ناپدیدسازی اجباری از منظر حقوق بین‌الملل عرفی و اسناد عام بین‌المللی، به‌ویژه منشور جهانی حقوق بشر (شامل اعلامیه جهانی حقوق بشر، میثاق حقوق مدنی سیاسی و میثاق حقوق اقتصادی اجتماعی و فرهنگی)، کنوانسیون منع شکنجه و سایر رفتارهای بی‌رحمانه، غیرانسانی یا ترذیلی، قطعا ممنوع و محکوم است. علاوه بر اینکه ناقض جدی برخی اسناد غیرمعاهداتی نیز به شمار می‌رود؛ ازجمله حداقل استانداردهای رفتار با زندانیان (مصوب شورای اقتصادی اجتماعی ملل متحد ۱۹۵۷)؛ کد رفتار مأموران اجرای قانون (مصوب مجمع عمومی ملل متحد ۱۹۷۹) و مجموعه اصول حمایت از افراد تحت هرگونه بازداشت یا حبس (مصوب مجمع عمومی سازمان ملل متحد ۱۹۸۸).

با وجود ممنوعیت و محکومیت این پدیده براساس اصول و قواعد عرفی و اسناد عام حقوق بشری، جامعه بین‌المللی اقدام به تدوین اسناد خاصی در این زمینه کرده است تا به توصیف همه جزئیات عملیات ناپدیدسازی اجباری بپردازد...

ادامه در صفحه ۱۹

politics@sharghdaily.ir

حسین امیرعبداللهیان، معاون امور بین‌الملل مجلس در گفت‌وگو با «شرق»:

نمی‌توانیم بگوییم امام‌موسی شهید شده است

زینب اسماعیلی: حسین امیرعبداللهیان، معاون امور بین‌الملل مجلس شورای اسلامی، درصدد است دیپلماسی پارلمانی را وارد ریل قطار سریع‌السیر کند. او می‌کوشد موضوعات مغفول را در دستور کار دیپلماسی پارلمانی قرار دهد. یکی از این موضوعات، پرونده امام موسی صدر است. او معتقد است تازمانی‌که سندی متقن مبنی بر شهادت امام موسی به دست نیامده نباید از پیگیری این پرونده بازماند و می‌گوید از هر فرصتی برای مشخص‌شدن سرنوشت او استفاده می‌شود.

عکس: امیر جدیدی، شرق

در یک سالی که به معاونت بین‌الملل مجلس منصوب شده‌اید، مهم‌ترین اقدامی که در دیپلماسی پارلمانی انجام دادید، چیست؟

در همه‌جای دنیا متعارف است که وقتی با کشوری در شرایط قطع رابطه هستیم یا یک موضوع خاص وجود دارد، در راستای دیپلماسی پارلمانی برای آن موضوع کارگروه پارلمانی تشکیل می‌دهند. در این زمینه با آقای دکتر لاریجانی مشورتی داشتم و ایشان هم استقبال کردند. آقای بروجردی هم خیلی به پیشرفت این ایده کمک کردند تا در مجلس جاری و ساری شود. این در دنیا متعارف است که پارلمان‌ها، گروه‌های دوستی-پارلمانی دارند. ۵، ۱۰ یا ۲۰ نماینده با همتایان خودشان در ایتالیا، اتریش، تونس، عراق و... ارتباط دارند و بر یک‌سری موضوعات مهم تمرکز می‌کنند. ما علاوه بر این کار، با کشورهایی که در قطع رابطه هستیم، در راستای اهداف کشور و نظام کارگروه پارلمانی تشکیل داده‌ایم؛ برای مثال ما با بحرین در شرایط قطع رابطه هستیم؛ اما در پارلمان کارگروهی تشکیل دادیم متشکل از چهار نفر؛ یک خانم که نماینده حوزه‌ای است که بیش از ۴۰ درصد مردم آن حوزه، اهل سنت هستند، یک نماینده مسیحی، یک نماینده اهل سنت و یک نماینده هم از بین شیعیان. این کارگروه با این ترکیب قرار است بحث‌هایی درباره بحرین را با استفاده از ظرفیت پارلمانی پیش ببرد.

عربستان چطور؟

بله، برای عربستان هم به همین ترتیب کارگروه پارلمانی تشکیل شده است.

این کارگروه با کشور مقابل تماسی دارد؟

این کارگروه‌ها تشکیل شده و برنامه‌ریزی‌هایشان را شروع کرده‌اند. هدف غایی این است که از ظرفیت این کارگروه در راستای عملیاتی‌کردن سیاست‌های نظام در قبال کشوری که با آن قطع رابطه کرده‌ایم، استفاده کنیم؛ برای مثال در حوزه‌ای مانند بحرین، بخشی از نگاه این کارگروه به مردم بحرین و مطالبات مردم این کشور است، بخشی از نگاه این کارگروه این است که از فرصت‌ها برای کمک به تحقق گفت‌وگوی سیاسی داخل بحرین با حفظ اصول عزت، مصلحت و حکمت بهره بگیریم. درباره سودان، درباره عربستان، درباره میانمار و... کارگروه‌های پارلمانی شکل گرفته است.

درباره عربستان چه موضوعاتی را پیگیری می‌کنید؟

این کارگروه قرار است متناسب با تحولاتی که روابط ما با عربستان دارد، به دستگاه دیپلماسی کمک کند. مثلا ما الان موضوع حج را داریم، بخشی از فعالیت‌ها می‌تواند کمک به این موضوع باشد. عربستان سعودی امروز به‌عنوان سردمدار تروریسم در منطقه عمل می‌کند. ما باید از ظرفیت پارلمانی خود استفاده کنیم و در اروپا و جاهایی که این امکان وجود دارد، این رفتار نادرست عربستان تشریح شود. ممکن است فردا به نقطه‌ای برسیم که حاکمان جنگ‌طلب عربستان درصدد رویکرد عاقلانه برآیند، شاید کارگروه پارلمانی در راستای کمک به بازگشت روابط طبیعی بین تهران و ریاض بتواند از ظرفیت خودش استفاده کند.

درباره ایالات متحده هم کارگروهی وجود دارد؟

در ارتباط با آمریکا نه.

خط قرمز است؟

نه، بر این موضوع تمرکز نکرده‌ایم، چون کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی ما به‌دقت به‌طور تخصصی به تحرکات کنگره و سنا در آمریکا به‌موقع پاسخ می‌دهند و جلسات مداومی دارند. ما نخواستیم یک کار موازی انجام شود. در سالگرد ربایش چهار دیپلماتمان در لبنان، خانواده آنها جلسه‌ای با کمیسیون سیاست خارجی داشتند. کمیسیون سیاست خارجی و امنیت ملی کارگروهی درون خود از اعضای این کمیته تشکیل داد تا بتواند ابعاد این موضوع را تا تعیین سرنوشت این عزیزان مشخص کند. برای بحث برجام و آمریکا در کمیسیون سیاست خارجی و امنیت با نظرات رئیس و هیئت‌رئیسه این‌گونه کارها انجام می‌شود. ما در مشورت با آقای بروجردی و آقای دکتر لاریجانی حوزه‌هایی را که احساس کردیم مسکوت مانده، سعی می‌کنیم فعال کنیم.

پس از سقوط قذافی، دکتر اکبری تلاش‌های قابل تقدیری داشت. حزب‌الله لبنان و آقای نبیه‌بری هم پیگیری‌های زیادی داشته‌اند. می‌توانم بگویم هم درباره چهار دیپلمات ربوده‌شده ما در لبنان و هم در ارتباط با امام موسی صدر اگر نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم امام موسی الان در فلان نقطه است اما حداقل می‌توانیم با قاطعیت بگوییم هیچ مستند قوی‌ای بر شهید شدنش نداریم

مثلا مسئله سرنوشت امام موسی صدر هم جزء کار این کمیته است؟

بله، می‌تواند باشد. برای امام موسی صدر وزارت خارجه سال‌هاست که دارد کار می‌کند.

اما به نظر می‌رسد این پرونده کاملا متوقف است. در آخرین مصاحبه‌ای که دراین‌باره با شما داشتم، گفتید هیچ پاسخ مشخصی دراین‌باره از طرف مقابل دریافت نکرده‌اید.

بالاخره از هر فرصتی استفاده می‌شود، ولی همه امور رسانه‌ای نمی‌شود. هرکدام از مسئولان وزارت خارجه که در ارتباط با موضوع هستند، سعی می‌کنند در پیگیری‌هایشان این موضوع را مدنظر قرار دهند. نکته‌ای که وجود دارد این است که بعضی از پرونده‌ها به دلایل مختلف به پرونده‌های فرسایشی و طولانی تبدیل شده‌اند که همیشه شوک‌هایی به آنها وارد می‌شود که چه وزارت خارجه، چه پارلمان و چه دستگاه‌های دیگر به خودشان بیایند و برای تعیین وضعیت آن کمک کنند. بالاخره خانواده امام موسی صدر هم ظرفیت بالایی برای پیگیری دارند. مؤسسه‌ای که خواهر محترمه امام موسی صدر در بیروت دارند، دختر امام موسی صدر که بعضی از کارها را انجام می‌دهند. داماد ایشان که خواهرزاده امام موسی صدر است هم تلاش‌هایی در این راستا انجام می‌دهند. بالاخره این جزء موضوعاتی است که وزارت خارجه سال‌ها از هر موقعیتی استفاده کرد که بتواند آن را به سرانجام برساند، دستگاه‌های دیگر نظام هم تلاش زیادی کرده‌اند، به‌ویژه سفیر وقت ما در لیبی. پس از سقوط قذافی، آقای دکتر اکبری تلاش‌های قابل تقدیری داشت. حزب‌الله لبنان و آقای نبیه‌بری هم پیگیری‌های زیادی داشته‌اند. می‌توانم بگویم هم درباره چهار دیپلمات ربوده‌شده ما در لبنان و هم در ارتباط با امام موسی صدر اگر نمی‌توانیم با قاطعیت بگوییم امام موسی الان در فلان نقطه است، اگر نمی‌توانیم بگوییم چهار دیپلمات ما دقیقا در کدام نقطه فلسطین اشغالی هستند، اما حداقل می‌توانیم با قاطعیت بگوییم هیچ مستند قوی‌ای که بتوانیم روی میز بگذاریم و بگوییم امام موسی صدر شهید شده است یا چهار دیپلمات ما شهید شده‌اند، نداریم. به‌تازگی با همسر شهید سمیر قنطار، مبارز فلسطینی که ۳۰ سال در زندان‌های رژیم صهیونیستی بود، دیدار داشتم؛ او حرف جالبی می‌زد؛ اینکه سال‌ها پیش صهیونیست‌ها عکسی از جسد سمیر قنطار پخش کردند. او در زندان خوابیده بوده و از او عکس گرفته بودند و به‌عنوان سند در یکی از اسناد ارائه داده بودند که مثلا کشته شده است. ولی با وجود اینکه عکس جسد او را هم ارائه داده بودند، بعد از ۳۰ سال که هیچ‌کس از او خبری نداشت، آزاد و تبادل شد و البته متأسفانه دو سال بعد صهیونیست‌ها در سوریه او را هدف قرار دادند و به شهادت رساندند. وقتی آدم این نمونه‌ها را می‌بیند، به خانواده این چهار دیپلمات ربوده‌شده و خانواده امام موسی صدر حق می‌دهد که نباید با ساده‌اندیشی بگوییم آنها شهید شده‌اند درحالی‌که سندی نداریم و درعین‌حال یک طرف پرونده رژیم صهیونیستی دروغ‌گو و نامشروع است. همه وظیفه داریم برای تعیین سرنوشت قطعی این مجاهدان، تلاشمان را ادامه دهیم.

کمیته ویژه مجلس برای پیگیری سرنوشت امام‌موسی صدر

در آستانه سی‌ونهمین سالگرد ربایش امام‌موسی صدر، خانواده او با محور مطالبه‌گری با اعضای کمیسیون امنیت ملی ملاقات کردند. آنها به اعضای کمیسیون گفتند که «این بار آمده‌ایم از شما سؤال کنیم که چه باید کرد و شما چه اقدامی برای این قضیه انجام می‌دهید. آیا صبر بیش‌ازاین رواست؟ صبر و سکوت درباره شخصیتی که حضورشان در ایران، لبنان و منطقه می‌توانست تأثیرگذار باشد». حورا صدر، فرزند امام‌موسی صدر، در این ملاقات تأکید کرد که موضع خانواده براساس احساسات نیست و بر پایه اسناد و اطلاعات است.

در گزارشی که پایگاه اطلاع‌رسانی مؤسسه امام‌موسی از این دیدار منتشر کرده، علاءالدین بروجردی، رئیس کمیسیون امنیت ملی، گفت: معتقدیم این مرد بزرگ به‌عنوان چهره برجسته مقاومت لبنان و منطقه در قید حیات هستند و مطالبه آزادی ایشان نه‌تنها مطالبه بحق خانواده است؛ بلکه مطالبه و وظیفه‌ای ملی و اسلامی و انقلابی است. نام این بزرگمرد باید زنده بماند و مطالبه رسمی از دولت لیبی باید استمرار پیدا کند. جواد کریمی‌قدوسی، عضو کمیسیون امنیت ملی مجلس، نیز بیان کرد: تنها کمیته ثابت و پیگیر در این قضیه خانواده امام بوده‌اند که شبانه‌روز برای آن تلاش کرده‌اند. به‌عنوان عضوی از مجلس که در دوره قبل نیز پیگیر این قضیه بوده‌ام، امروز اعتراف می‌کنم که جمهوری اسلامی درخور شأن این اتفاق، توان کافی به کار نبرده است.

اعضای حاضر در این کمیسیون بر این نکته تأکید کردند که هیچ دلیلی مبنی بر شهادت امام‌موسی در دست نیست. ازهمین‌رو در این دیدار پیشنهاد تشکیل کمیته‌ای در این کمیسیون با حضور نماینده خانواده امام‌موسی صدر مطرح شد تا با کمیته پیگیری رسمی در لبنان همکاری و تبادل اطلاعات داشته باشد. خانواده امام عنوان کردند چنین کمیته‌ای می‌تواند از اجرای تفاهم‌نامه امضاشده میان لبنان و لیبی درباره قضیه ربودن امام‌موسی صدر حمایت کند و شرایط اجرای هرچه سریع‌تر آن را فراهم کند. همچنین نقوی‌حسینی، سخنگوی کمیسیون امنیت ملی و سیاست خارجی مجلس شورای اسلامی، با بیان اینکه کمیسیون پیگیری سرنوشت امام‌موسی صدر را یک وظیفه و مطالبه می‌داند، به ایرنا گفت: کمیسیون با اعتقاد به در قید حیات بودن امام‌موسی صدر، مصر به پیگیری جدی سرنوشت اوست. در این جلسه کریمی‌قدوسی به‌عنوان عضو کمیسیون مسئول پیگیری شرایط و وضعیت امام‌موسی صدر شد.

روزنه

ابراهیم خدابنده، از اعضای جداشده سازمان مجاهدین خلق:

رجوی گفت ما در بیت امام نفوذی داشتیم

● **پایگاه مرکز اسناد انقلاب اسلامی:** ابراهیم خدابنده، از اعضای جداشده سازمان مجاهدین خلق که از سال ۵۹ تا ۸۲ عضو سازمان منافقین بوده است و در بسیاری از جلسات سازمان حضور داشته است، حرف‌های ناگفته فراوانی درباره سازمان منافقین دارد. از همین رو صبح امروز، سه‌شنبه هفتم شهریور به دفتر ابراهیم خدابنده رفتیم. او می‌گوید کتاب خاطرات برادرش یعنی مسعود خدابنده را به‌تازگی به فارسی ترجمه کرده است که در آن هم حرف‌های ناگفته فراوانی وجود دارد. ابراهیم خدابنده درباره عملیات «نفوذ» که از سوی سازمان منافقین اعمال می‌شد، گفت: مسعود رجوی می‌گفت وقتی انقلاب پیروز شد، همه سازمان‌ها و افراد به‌دنبال حزب و کار سیاسی رفتند ولی ما دنبال ارتش و سازمان‌دهی نظامی رفتیم. رفتیم و سلاح جمع کردیم و در تمام ارگان‌ها نفوذی فرستادیم. آنها حتی در بیت امام، جواد قدیری را داشتند که هنوز در سازمان است. خود کشمیری هم که جانشین دبیر شورای عالی امنیت ملی بود. این عضو جداشده سازمان منافقین درباره اولین نفوذی سازمان یعنی محمدرضا سعادتی می‌گوید: «سعادتی در دادستانی یک نیرویی داشت که الان اسمش را فراموش کرده‌ام؛ او اطلاعات را از دادستانی گرفته بود که به سعادتی بدهد تا او آنها را در اختیار کاردار شوروی بگذارد. تا شوروی بداند جاسوسشان در ارتش محمدرضا پهلوی چگونه لو رفته بود. خوب این پرونده در دادستانی بود و او این پرونده را برداشته بود تا به شوروی بدهد و در مقابل از شوروی سلاح و وسایل و تجهیزات نظامی بگیرد. در ششم اردیبهشت ۵۸، یعنی در همان روزی که سعادتی دستگیر شد، موسی خیابانی و مسعود رجوی به دیدار امام خمینی رفته بودند». ابراهیم خدابنده در ادامه به موضوع انفجار هفتم تیر و هشتم شهریور می‌پردازد و می‌گوید مسعود رجوی در جلسات خصوصی به‌طور علنی و آشکار گفته بود که عامل انفجارها بوده است. خدابنده که در همان جلسه حضور داشته است، می‌گوید: «مسعود رجوی رسما خودش گفته و صدها شاهد هم هست که سازمان مسئول ترورهای هفتم تیر و هشتم شهریور است.

ادامه در صفحه ۱۹